

خدا چون سلام به روی ماهت...

بال‌های آتشین ۲

وارث گمشده



ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!

بالہائے اکتسبیین

وارث گمشده

توئی تی سادرلند
رحمت الله قائمی
آناہیتا حضرتی

سرشناسه : سادرلند، توئی-تی، ۱۹۷۸ - م. Sutherland,Tui
عنوان و نام پدیدآور : بال‌های آتشین؛ وارث گمشده/ نویسنده توئی تی سادرلند ؛ مترجم رحمت‌الله قائمی.
مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۲۸۸ص. مصور: ۵/۱۴×۲۱ س.م.
فروست : بال‌های آتشین: جلد دوم.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۱۱-۶۱-۰
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Wings of fire book two: The lost Heir
موضوع : داستان‌های کودکان (آمریکایی) -- قرن ۲۰م.
شناسه‌ی افزوده: قائمی، رحمت‌الله، ۱۳۹۵-، مترجم.
رده‌بندی کنگره: ۹۱۳۹۵ ب۹ الف/۴۳۶۱۲PS
رده‌بندی دیویی: [ج] ۸۱۳/۵۴
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۲۰۴۸۵۲



انتشارات پرتقال

بال‌های آتشین ۲: وارث گمشده

نویسنده: توئی تی سادرلند

مترجم: رحمت‌الله قائمی/ آناهیتا حضرتی کیاوندانی

ویراستار: فاطمه فدایی‌حسین

مدیر هنری و طراح جلد نسخه‌ی فارسی: کیانوش غریب‌پور

آمادسازی و صفحه‌آرایی: آتلیه پرتقال/ سیدسعید هاشمیان

مشاور فنی چاپ: حسن مستقیمی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۱۱-۶۱-۰

نوبت چاپ: اول - ۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان



۳۰۰۰۶۳۵۶۴



۰۲۱- ۶۳۵۶۴



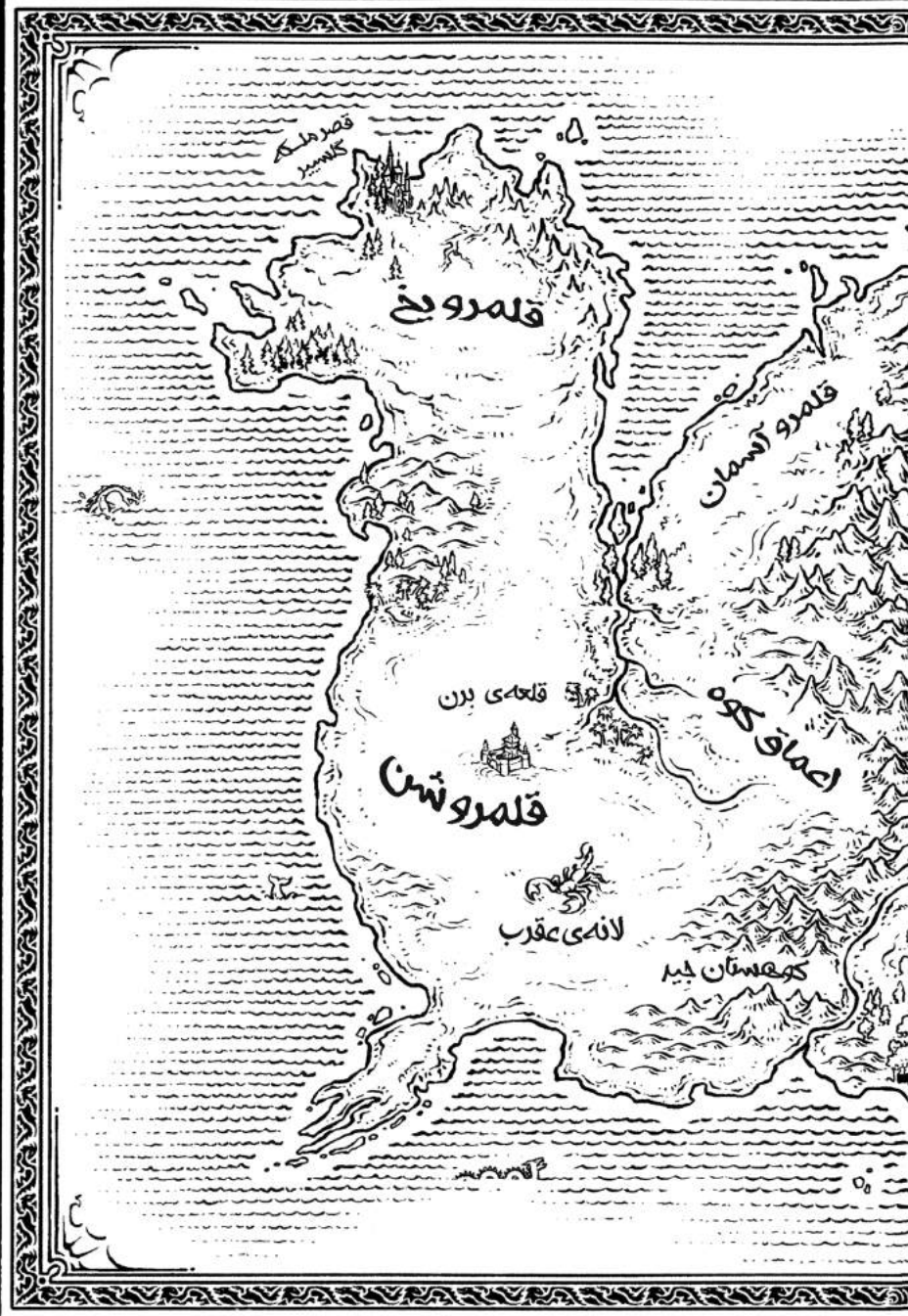
www.porteghaal.com



kids@porteghaal.com

برای آن‌هایی که به دنبال هویت خود می‌گردند.







رهنمای شب‌بال درباری
از حقایق

قلندرو جنگل انبوه

W

قلمرو پخ

قلمرو آس

ارزمین پیریا

لانہی عقرب

کوهستان پیر



شن‌بال‌ها

ویژگی‌ها: فلس‌های طلایی یا سفید به رنگ شن‌های بیابان، دم خاردار زهر آگین و زبان سیاه دوشاخه دارند.
توانایی‌ها: می‌توانند مدت زیادی بدون آب زنده بمانند، مانند عقرب با انتهای دُمشان دشمن را نیش بزنند و مسموم کنند، خودشان را برای استتار در شن‌های بیابان مدفون کنند و از دهانشان آتش خارج کنند.
ملکه: از زمان مرگ ملکه اوسیسی به بعد، قبیله به سه گروه تقسیم شده که هر یک برای رسیدن به قدرت تلاش می‌کنند: سه خواهر به نام‌های برن، بلیستر و پلیرز.
متحدان و دوستان: برن در کنار اژدهایان قلمرو آسمان و اژدهایان قلمرو گل می‌جنگد، بلیستر با افراد قلمرو دریا متحد است و پلیرز از حمایت بیشتر افراد قلمرو شن و اتحاد با قلمرو یخ برخوردار است.



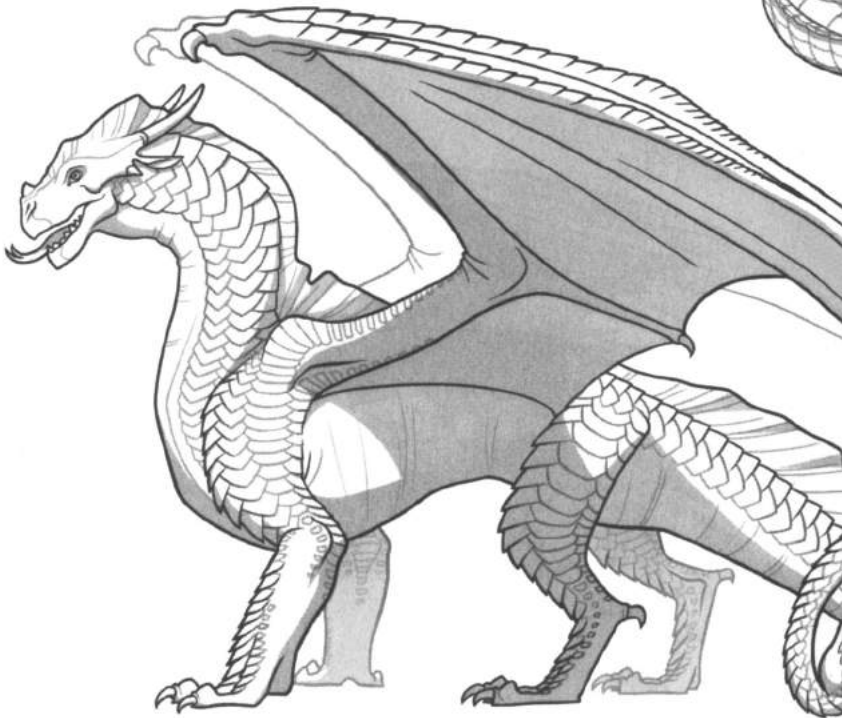
گل‌بال‌ها

ویژگی‌ها: فلس‌های زُ‌مخت، زره‌مانند و قهوه‌ای، گاهی با ته‌رنگ
طلایی و کهژی‌بایی دارند. سرشان پهن و بزرگ است و سوراخ‌های
بینی‌شان بالای پوزه قرار گرفته است.

توانایی‌ها: (در صورتی‌که به‌اندازه‌ی کافی گرم شوند) می‌توانند از
دهانشان آتش خارج کنند، نفسشان را بیش از یک ساعت حبس
کنند و خودشان را با گودال‌های بزرگ گل هم‌رنگ کنند؛ معمولاً بسیار
قدرتمند هستند.

ملکه: ملکه‌ی آن‌ها مورهن است.

متحدین و دوستان: درحال حاضر با پرن و افراد قلمرو آسمان برای
جنگ بزرگ متحد هستند.



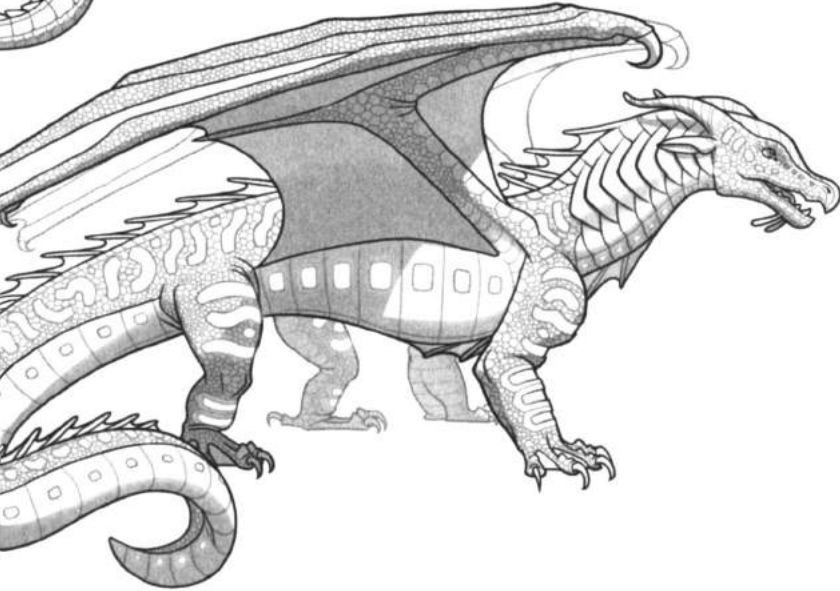
آسمان‌بال‌ها

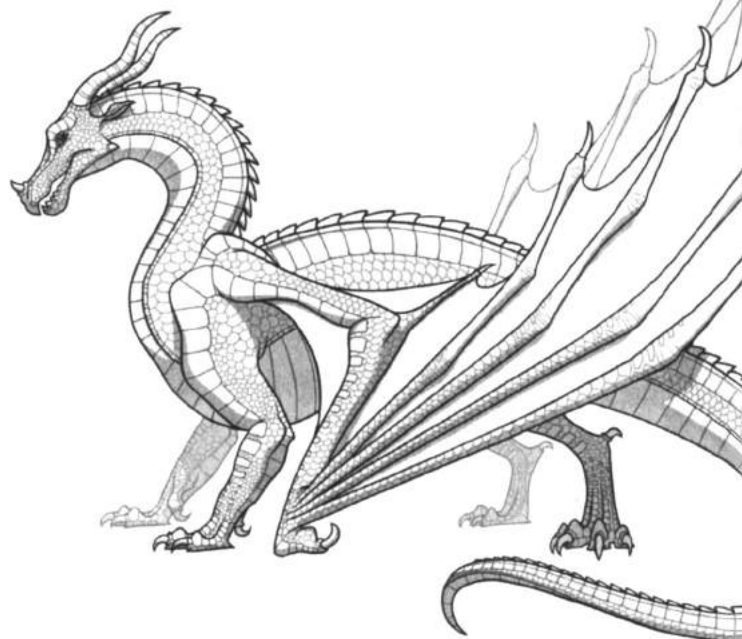
ویژگی‌ها: فلس‌های قرمز-طلایی و یا نارنجی و بال‌های بسیار بزرگ دارند.

توانایی‌ها: جنگجویان و پرنده‌گان قدرتمندی هستند، می‌توانند از دهانشان آتش خارج کنند.

ملکه: ملکه‌ی آن‌ها اِسکارلت است.

متحدین: درحال حاضر با پرن و افراد قلمرو گل برای جنگ بزرگ متحد هستند.



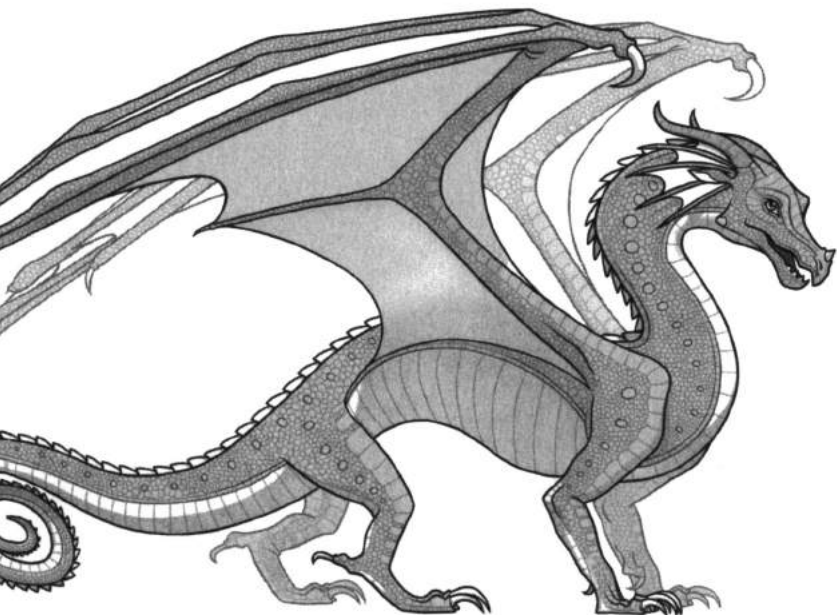


دریابال‌ها

ویژگی‌ها: فلس‌های آبی، سبز و یا زُمردی دارند، پنجه‌هایشان پره‌دار است، روی گردن آبشش دارند، روی دُم، پوزه و زیر شکم راه‌راه‌های شیرنگ دارند.

توانایی‌ها: می‌توانند زیر آب تنفس کنند، در تاریکی بینند، یا یک ضربه‌ی دُم قدرتمندشان یک موج بزرگ بسازند و به‌خوبی شنا کنند. ملکه: ملکه‌ی آن‌ها کورال است.

متحدین: درحال حاضر برای جنگ بزرگ با بلیستر متحد هستند.

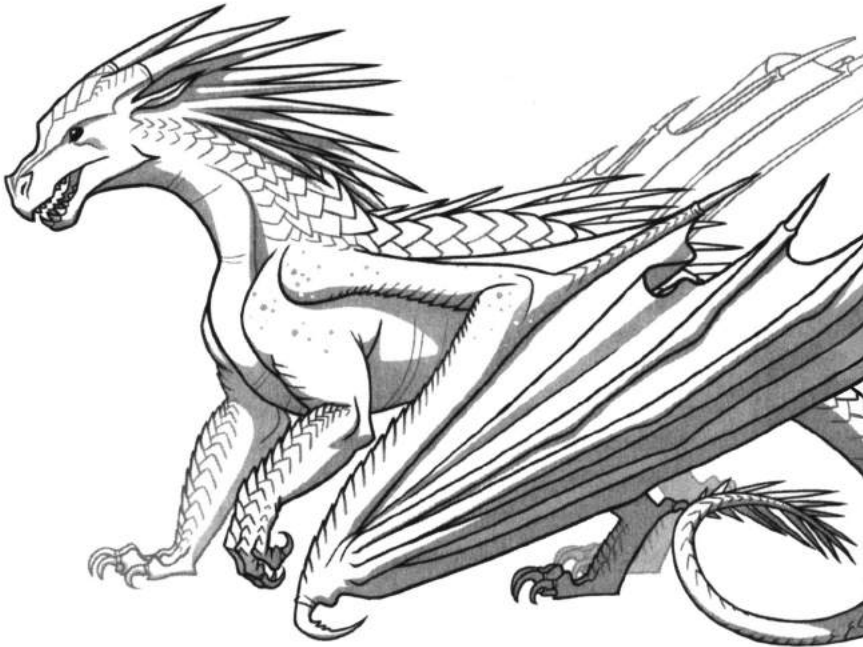


یخ‌بال‌ها

ویژگی‌ها: فلس‌های نقره‌ای به رنگ ماه و یا آبی روشن به رنگ یخ دارند. پنجه‌های برجسته برای گرفتن یخ و زبان دوشاخه‌ی آبی دارند. دُمشان از پایین به بالا نازک می‌شود و شلاق‌مانند است. توانایی‌ها: می‌توانند دماهای بسیار پایین و نور شدید را تحمل کنند، بازدم فوق‌العاده سرد و کشنده‌ای دارند. ملکه: ملکه‌ی آن‌ها گل‌سپیر است. متحدین: درحال حاضر با بلیز و افراد قلمرو شِن برای جنگ بزرگ متحد هستند.

باران‌بال‌ها

ویژگی‌ها: فلس‌های آن‌ها دائم تغییر رنگ می‌دهد. معمولاً، به رنگ‌های درخشان هستند و با دُم‌هایشان توانایی گرفتن اجسام را دارند. توانایی‌ها: می‌توانند برای استتار به رنگ محیط اطراف دربیایند. از دُم‌های قلاب‌وارشان برای بالا رفتن از جاهای مختلف استفاده می‌کنند. هیچ سلاح طبیعی شناخته‌شده‌ای ندارند. ملکه: ملکه‌ی آن‌ها دازلینگ است. متحدین: در جنگ بزرگ شرکت ندارند.





شب‌بال‌ها

ویژگی‌ها: در قسمت داخلی بال‌هایشان فلس‌های بنفش-مشکی و فلس‌های پراکنده‌ی نقره‌ای دارند؛ مثل یک شب‌پُرستاره! زبان‌شان سیاه و دوشاخه است.

توانایی‌ها: می‌توانند از دهانشان آتش خارج کنند، در سایه‌های تاریک ناپدید شوند، ذهن‌خوانی کنند و از آینده خبر بدهند.
ملکه: اینکه ملکه‌ی آن‌ها چه کسی است، یک راز سر به‌مُهر است.
متحدین: از آنجا که آن‌ها بسیار مرموز و قدرتمند هستند، نمی‌توانند در جنگ شرکت داشته باشند.

پیش‌گویی اژدهازادگان

بیست سال که از جنگ بگذرد،
اژدهازادگان خواهند آمد...
آن هنگام که زمین غرق در خون و اشک است،
اژدهازادگان خواهند آمد...
آبی‌ترین تخم دریابالان را بجوی.
اژدهای شب به‌سویت خواهد آمد.
بزرگ‌ترین تخم اژدها در بلندای کوهستان
اژدهای آسمان را برایت به ارمغان خواهد آورد.
برای یافتن اژدهای زمین، در خاک
تخم اژدهایی به رنگ خون را بجوی.
اژدهای شن به دور از چشم ملکه‌های رقیب
در خفا، پنهان خواهد ماند.
از بین سه ملکه
که یکی می‌سوزاند و دیگری می‌گذارد
و آن دیگر که مشتعل می‌سازد
دو تن خواهند رفت و یک تن
خواهد آموخت
اگر به تقدیرِ والاتر و قادرتر تن دردهد،
بال‌های آتشین را خواهد یافت.
تولد پنج اژدها در روشن‌ترین شب
پایان نبرد بزرگ خواهد بود.
شب می‌آید تا روشنی بیاورد؛
اژدهازادگان در راه‌اند...



سرآغاز

زیر آب صدای جیغ و داد اژدهایانی که در حال مرگ بودند، به گوش و بزر نمی‌خورد.

آن زیر، جنگ به اندازه‌ی سه‌ماه از او فاصله داشت. آتش به او نمی‌رسید و جنگجویان صلح نمی‌توانستند بلایی سرش بیاورند. خون هم از پنجه‌هایش شسته شده بود.

زیر آب اگر می‌ماند در امان بود و به او می‌گفتند ترسو... ولی باز هم بهتر از این بود که شجاع و وفادار باشد و بمیرد. و بز یک‌دفعه از خواب پرید.

یک گربه‌ماهی زلز توی چشم‌هایش نگاه می‌کرد و سبیل‌هایش توی آب شناور بود. با آن قیافه‌اش انگار داشت می‌گفت چرا یه اژدها روی سنگای کف رودخونه‌ی من خوابیده؟

وبز ماهی را خورد و حالش یک‌کم بهتر شد. با خودش فکر کرد: جنگجویهای صلح حتماً می‌دونن چه اتفاقی واسه اژدها کوچولوها افتاده. خودشون توی قصر آسمون‌بال‌ها جاسوس دارن. نمی‌خواد این رو از من بشنون. باقی جنگجوها نیاز نداشتند او برود جلوی‌شان و بگوید: «ما شکست خوردیم.» ولی کجایم شد برود؟ همین حالا از ترس دریا بال‌های قبیله‌ی خودش، مخفی شده بود. یعنی باید باقی عمر هم از ترس جنگجویان خودش را گم‌و‌گور می‌کرد؟ پنجه زد آمد روی آب و دزدکی سرش را از آب بیرون آورد. هوا تاریک بود و رشته‌کوه پنجه‌ی ابر مثل سایه‌های دندان‌مانند، تا حدودی جلوی نور مهتاب را گرفته بود. او روزهای زیادی رو به پایین‌دست رود شنا کرده بود و حالا از قلمرو آسمان خیلی فاصله داشت.

قسم خورده بود از قلمرو آسمان و پنج بچه‌اژدها محافظت کند. و بز تن دراز و دردناکش را از آب بیرون کشید و سه قدم رفت سمت جنگل، تازه آن موقع متوجه آن سایه‌های سیاه شد که منتظرش بودند. خواست برگردد که اژدهای دیگری از رودخانه بیرون آمد و راه فرارش را بست. روی فلس‌های سبزش طرح‌های دایره‌دایره و سیاهی داشت و دندان‌هایش زیر نور مهتاب برق می‌زد. دریابال با لحن مهربانی گفت: «وبز، فکر می‌کردم دیگه خبری ازت نشه.»

وبز چنگال‌هایش را توی گل ساحل کشید و گفت: «ناتیلوس، من خبر مهمی واسه جنگجوه‌های صلح دارم.» دوست نداشت صدایش این‌قدر از ترس بلرزد.

ناتیلوس گفت: «نه بابا! انگار داشتی میومدی محل همیشگی جلسه، راحت رو گم کردی؟»

یکی دیگر از سایه‌های توی تاریکی گفت: «واسه همین فکر کردیم بهتره بیایم پیدات کنیم.» صدایش مثل قطره آبی که از قندیل بچکد سرد بود. وبز با خود فکر کرد: این صدای سایروسه. پیدا شدن سروکله‌ی سایروس یخ‌بال هیچ‌وقت نشانه‌ی خوبی نبود.

وبز گفت: «آسمون‌بال‌ها غار ما رو پیدا کردن.» بعد با خودش گفت: حقیقت رو بگو! تقصیر تو که نیست! و گفت: «ملکه اسکارلت اژدها کوچولوها رو گرفته.»

ناتیلوس خیلی سرد جواب داد: «بله، این موضوع رو خودمون فهمیدیم، مخصوصاً وقتی دیدیم روی بلندترین کوه وایساده و فریاد می‌زنه: "اژدها کوچولوهای سرنوشت توی چنگ من هستن! همه‌شون مال من!"»

سایروس با عصبانیت گفت: «چطوری پیدات کردن؟»
وبز آرام جواب داد: «حُب، همه‌چی از وقتی شروع شد که دوتا از اژدها کوچولوها سعی کردن فرار کنن.» و با خودش فکر کرد: شایدم سه‌تاشون.